

سعید ملنی: واقعه پاکدشت شاید از این جهت مورد توجه انجمن سلامت اجتماعی قرار گرفت که می‌توان الگو یا تابلوی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران براساس آن ترسیم کرد. این واقعه جواب مختلف از وضعیت اجتماعی ایران را توضیح می‌دهد که در شرایط عادی و معمولی نمی‌توان آن را شناخت و مورد بررسی قرار داد. بر همین اساس اگر از زوایای مختلف مورد بحث و مطالعه قرار گیرد، قطعاً می‌تواند تحلیل مشخصی از عواملی که مانع سلامت جامعه ایران است و آن را در خطر قرار داده اراده داد.

شهرستان پاکدشت شامل چهار روستای قدیمی قوه، پلشته، مامازن و خاتون آباد است و هنوز در حال گذار از بافت روستایی به بافت شهری است. پاکدشت با وجود این که ملتی است تبدیل به شهر شده، اما هنوز از روستاهای تابعه شهرستان ورامین شمرده می‌شود که بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. از شمال به رشته کوه‌های البرز و دامنه جنوبی شهرستان دماوند از غرب به شهر تهران و شهرستان ری و از جنوب و جنوب شرقی به شهرستان گرمسار محدود می‌شود. شهرستان پاکدشت از دو بخش مرکزی و شریف آباد تشکیل یافته که تنها مرکز شهری آن شهر پاکدشت است. منطقه پاکدشت در حال حاضر جزی از ناحیه ۷ شهرداری منطقه ۱۵ تهران شمرده می‌شود که از لحاظ تقسیمات کشوری وابسته به شهر ری است، اما امکانات پشتیبانی ای که در مورد این شهر باید صورت گیرد، مشخص نیست. شفاف‌بودن قلمرو مرزی و مستولیتی این منطقه در تقسیمات شهری، لجستیکی و انتظامی، آن را به یکی از مساعدترین مناطق برای "جرائم خیزی" تبدیل کرده است. این شهر به لحاظ بافت جمعیتی به دو قشر مهاجران و بومی‌ها تقسیم می‌شود. بیشتر مهاجران که بخش مهم جمعیت را تشکیل می‌دهند در بخش



آسیب‌های اجتماعی بررسی حادثه پاکدشت

شاره؛ رهاسنگی، حس تنهایی مهاجران روستایی در کلان شهرها، موضوعی نیست که بخوان آن را نادیده انگاشت. تبود نهادهای مدرن و حتی سنتی ولی یا کار کرد مثبت که بتواند هنچارهای جدید را برای این افراد تعریف کند و حس کم گشته‌گی آنها را مهار واقعه‌های جدیدی از زندگی و زیست بهتر در کلان شهرها را برای آنها تصویر کند و ناآوانی بیان اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی نیز افزون بر این کاستی‌ها، فجایع پاکدشت و مانند آن را رقم می‌زنند.

انجمن سلامت ایران، گفت و گویی را با حضور دکتر نجفی ابرند آبادی - جرم شناس دکتر فریبرز رئیس دانا و سعید ملنی و جمعی از کارشناسان دانشگاه علوم بهزیستی برگزار کرد که نتایج آن گفت و گو را با هم می‌خوانیم.

مرکزی شهر و روستاهای اطراف آن متمرکز شده‌اند. بیشتر مهاجران ساکن این شهرستان از استان‌های تهران، لرستان، همدان، آذربایجان شرقی و غربی و خراسان هستند. در سال ۱۳۷۵، تعداد کل جمعیت این شهر حدود ۱۶۵ هزار نفر بوده است که از این تعداد ۴۲ هزار و ۲۰ نفر شهری و ۱۱۵ هزار نفر روستایی بوده‌اند. در طول ۲۶ سال اخیر ۱۳۳ هزار نفر به جمعیت پاکدشت افزوده شده است. درواقع روند گسترش پاکدشت طی ۲۵ سال اخیر به شدت سرعت یافته است.

دکتر فریز رئیس دانای: آنچه در این واقعه رخداد شامل قتل دو فرد معتاد و یک زن روسی و درمجموع قتل ۱۹ انسان بود. همچنین ۷ فقره ایراد ضرب و جرح و شروع به قتل همراه با تجاوز جنسی و ۵ فقره جایت آتش زدن، توسط جوانی ۲۲ ساله، ایرانی مجرد و بدون سوءپیشنه کیفری صورت گرفت. محمد بسیجه یا محمد بیجه از زمان نوجوانی اختلافات زیادی با پدر خود داشت تا جایی که حتی در سن ۱۵ سالگی پدرش او را از خانه بیرون می‌کند ازسوی مراقبت‌های لازم نیاز جانب وی بر فرزندش وجود نداشته چرا که اگر چنین مراقبت و توجهی بود، قطعاً پدر تجاوز به عنف فرزندش را در سن ۱۲ سالگی از طرف یک فرد بزرگ‌سال متوجه می‌شدو بیکری می‌کرد. مادر محمد بسیجه زمانی که سه ساله بوده فوت کرده و او تحت نظر نامادری خود که مرتب وی را کنک می‌زد بزرگ شده است. ناسازگاری این فرد با محیط تحصیلی خود نیز قابل بررسی است (به قول خودش به دلیل این که نیم نمره کم اورده بود از مدرسه اخراج شد).

دکتر مجتبی ابرند آبادی (جم شناس): امروز ما در مورد واقعه‌ای صحبت می‌کنیم که نسبت به جرایم و قائم مجرمانه دیگر دارای جبهه‌های ویژه و استثنای است و گرنه در کشور ما قتل، ضرب و جرح و

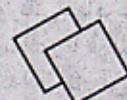
سرقت به شکل‌های مختلف هر روزه اتفاق می‌افتد و ما بعضی از آنها را در روزنامه‌ها می‌خوانیم یا خود شاهد آن هستیم و به طور مستقیم از آنها اطلاع پیدا می‌کنیم. اما واقعه پاکدشت همانند واقعه خفash شب. از آن رو اتفاق می‌افتد گرفته که به نوعی جنبه ملی به خود گرفته که به نوعی از قتل‌های زنجیره‌ای و سریالی به معنای قتل‌های بی‌دری. است. ما در یک جلسه یکی. دو ساعته نمی‌توانیم چنین پرونده‌ی چیزهای را کالبدشکافی تماشیم و برای این کار طبیعتاً باید همه پارامترها و عوامل پرونده را در اختیار داشته باشیم.

من نخست سعی می‌کنم رویکردی کلی. از نظر جرم شناسی - به این واقعه داشته باشم و در قسمت دوم سعی می‌کنم ویژگی‌های این فرد بود که از نظر جرم شناسی قابل توجه است. از این رو محیط سیاسی، محیط اقتصادی و محیط اجتماعی که هر نظام ایجاد می‌کند، بر رفتار افراد و از جمله بزهکاری آنها تأثیر گذارد و قابل تأمل و بررسی است. بدینه است که هر نظام سیاسی برنامه‌هایی را در نخست بررسی محیط طبیعی یا فیزیکی و شرایط جغرافیایی و اقلیمی بر بزهکاری است. در این بحث مطرح می‌شود که نحوه استقرار محل، کثار دریا بودن، گرم بودن، فصول سال و شمال یا جنوب بودن بر رفتار انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. دوم در مقابل محیط که در مردم هر فرد ویژگی خاص خود را درد برای نهونه یک فرد در یک خانواده پر جمعیت به دنیا می‌آید و دیگری در خانواده‌ای کم جمعیت. یک فرد در خانواده‌ای منسجم و سلامت تربیت می‌شود و دیگری در خانواده‌ای در حال فروپاشی.

است که برای تمامی مردمی که در در پرونده پاکدشت، ویژگی محیط خانوادگی متشتم ردیف اول قابل توجه است. پدر و مادر وی طلاق گرفته بودند و لو زیر نظر نامادری خود بود. پر نامه‌های طرنده به طور مشترک وجود دارد و مام این محیط‌های اجتماعی آنچه در بررسی محیط‌های اجتماعی پرتو آثار آن سیاست‌های کلان شخصی موضوعیت دارد، بوم شناسی یا زیست بوم یا تأثیر محیط زندگی بر رفتار و خلق و خوی افراد است. درخصوص "بوم شناسی جنایی" لازم

است اشاره کنم که جامعه‌شناسان امریکایی در نیمه اول قرن بیستم تحقیقی روی شهر شیکاگو از نظر نزدیکی را در محله‌های مختلف انجام دادند. این شهر را روی نقشه به نیم دایره‌های مختلف تقسیم کردند و نزدیکی‌های را در این نیم دایره‌ها نسبت به نیم دایره‌های بعدی مقایسه کردند و نزدیکی را در این نیم دایره‌ها که همواره در یکی از این نیم دایره‌ها نزدیکی را بشتر از نیم دایره‌های دیگر است. نخست گمان کردند که چون شهر شیکاگو شهری مهاجرنیز است و مهاجران هر کدام از زادگاه خود جرایم را وارد می‌کنند، این شهر جرم خیز می‌باشد، اما بعد متوجه شدند که موج های مهاجرتی که به شیکاگو می‌آیند از آنجا که امکانات مالی کافی ندارند به این محل که ارزان است می‌آیند و به مخصوص این که وضع خوبی پیدا می‌کنند، به محل دیگر نقل مکان می‌کنند. این خدده فرهنگ کشورهای مهاجر فرست یا آن فرهنگ‌های وارداتی مهاجرت، هیچ گونه تعارض و تضادی با فرهنگ امریکایی نداشته که حاصل آن جرم شود. بعد از بررسی‌های مختلف مشخص شد که این بافت و ویژگی یوم شناختی آن نیم دایره و محله بوده است که افراد را صرف نظر از خاستگاه قومی شان به سمعت جرم سوق می‌داده است. طبق بررسی‌هایی که توسط پژوهشگران و کارشناسان در جامعه‌شناسی جنایی صورت گرفته، به این نتیجه رسیدند که این نیم دایره دقیقاً در کنار مرکز تجارتی، اداری شهر قرار گرفته است. مرکز تجاری - اداری شهر در حال توسعه است و در این نیم دایره مالکان به دنبال فروش خانه و زمین هستند تا از طریق بالا رفتن قیمت‌ها سود بیشتری به دست آورند. از این رو مالکان در مورد بازارسازی و ساخت و ساز آن مناطق اقدامی نمی‌کردند. درنتیجه اجاره‌ها پایین بوده و گفایت خانه‌ها مناسب نبود و شهرداری شیکاگو در این نیم دایره سرمایه‌گذاری لازم را برای آبادانی نمی‌کرد؛ چرا که

بیشتر ساکنان این منطقه مهاجرانی هستند که از روستاهای آمده‌اند. در روستاهای فشار فرهنگ و نظارت همگانی در پیشگیری از جرم نقش مهم دارد و همه به طور خمنی مراقب یکدیگر هستند. آن انسجام فرهنگی سنتی، سبب می‌شود که بسیاری از وسوسه‌های مجرمانه به وجود نماید. اما وقتی یک روستایی به منطقه‌ای مانند پاکدشت می‌آید، خود را آزاد و رها تلقی می‌کند



شهرستان پاکدشت شامل چهار روستای قدیمی قوه، پلشت، مامازن و خاتون آباد است و هنوز در حال گذار از بافت روستایی به بافت شهری است. پاکدشت با وجود این که مدتی است تبدیل به شهر شده، اما هنوز از روستاهای تابعه شهرستان ورامین شمرده می‌شود

نمایم خود جایه‌جا می‌شوند و از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌روند تا شناسایی نشوند. ولی در پرونده این متهم، وی در همان منطقه، بزه‌دیدگان خود را پیدا می‌کند و به خود خود را نداشت. در این زحمت نمی‌دهد تا به شمال یا جنوب شهر برسد که کسی او را نشناشد. این وضعیت آنومیک که در این منطقه حاکم است، به دلیل نبودن نمادهای حاکمیت، نبودن فرهنگ و اخلاق و انسجامی است که در دیگر محله‌ها وجود نداشت. درنهایت به این نتیجه رسیدند که اگر نرخ بزه‌کاری در این نیم‌دایره زیاد بود، به دلیل شرایط بوم شناختی بوده است و هر بخش بر عهده نهادی بود. برای نمونه بخشی بر عهده شهرداری و بخشی بر عهده پلیس، فرهنگ، خانواده‌ها و مالکان بود. به نظر می‌آید در پرونده پاکدشت این منطقه روستایی بوده که از نظر اداری تبدیل به شهر شده است. اما آیا به واقع امکانات شهری را دولت یا سازمان‌های واقع در تهران به آنها داده‌اند؟ به عبارت دیگر، آیا احساس تعلق به فرهنگ بومی و حاکم در شهر تهران در آنها وجود دارد؟ در اینجا من آورده، اما با مطالعه بیشتر، خلاف این موضوع به من ثابت شد. خود متهم اقرار می‌کند که من هیچ گونه گرایشی به جنس مخالف نداشتم و دوست داشتم با هم‌جنس خود را بخطه داشته باشم.

نکته دوم این که بزه‌دیدگان متهم نیز از همان کمبودها و نارسانی‌های مشترک رنج می‌برندند. اگر بخواهیم بروی کنیم، هر دو، قربانیان کمبودهای مشترک بوده‌اند. اطفالی که قربانی جرم این متهم قرار گرفته‌اند، هیچ کدام از طبقه مرفه بوده‌اند. همه نوعاً از افراد خارجی بوده‌اند و همین خارجی بودن، یکی از عوامل بزه‌دیدگی است، چرا که یک فرد خارجی (مهاجر افغانی) نمی‌تواند همانند یک بومی از خود دفاع کند.

نکته سوم که بسیار هم مهم است این که بسیاری از اولیای دم اطفال بزه‌دیده، به جای تقاضای قصاص و اعدام متهم، تقاضای دیه کرده‌اند. این

نمایش این نیم‌دایره به زودی ناید شده و از بین می‌رود و از آنجا که این شهر کوچک بود لازم می‌دانستند آن قسمت اداری و تجاری توسعه پیدا بکند و به این ترتیب آن نیم‌دایره در مرکز تجاری جذب و جل می‌شد. به همین دلیل فرهنگ شهر شیکاگو در این نیم‌دایره حضوری نداشت. در این مناطق پلیس و مدرسه کم بود و در خیابان‌کشی‌ها، زیباسازی و شادابی وجود نداشت. درنهایت به این نتیجه رسیدند که اگر نرخ بزه‌کاری در این نیم‌دایره زیاد بود، به دلیل شرایط بوم شناختی بوده است و هر بخش بر عهده نهادی بود. برای نمونه بخشی بر عهده شهرداری و بخشی بر عهده پلیس، فرهنگ، خانواده‌ها و مالکان بود. به نظر می‌آید در پرونده پاکدشت این منطقه روستایی بوده که از نظر اداری تبدیل به شهر شده است. اما آیا به واقع امکانات شهری را دولت یا سازمان‌های واقع در تهران به آنها داده‌اند؟ به عبارت دیگر، آیا احساس تعلق به فرهنگ بومی و حاکم در شهر تهران در آنها وجود دارد؟ در اینجا من آورده، اما با مطالعه بیشتر، خلاف این موضوع به من ثابت شد. خود متهم اقرار می‌کند که من هیچ گونه گرایشی به جنس مخالف نداشتم و دوست داشتم با هم‌جنس خود را بخطه داشته باشم.

نکته دوم این که بزه‌دیدگان متهم نیز از همان کمبودها و نارسانی‌های مشترک رنج می‌برندند. اگر بخواهیم بروی کنیم، هر دو، قربانیان کمبودهای مشترک بوده‌اند. اطفالی که قربانی جرم این متهم قرار گرفته‌اند، هیچ کدام از طبقه مرفه بوده‌اند. همه نوعاً از افراد خارجی بوده‌اند و همین خارجی بودن، یکی از عوامل بزه‌دیدگی است، چرا که یک فرد خارجی (مهاجر افغانی) نمی‌تواند همانند یک بومی از خود دفاع کند.

نکته سوم که بسیار هم مهم است این که بسیاری از اولیای دم اطفال بزه‌دیده، به جای تقاضای قصاص و اعدام متهم، تقاضای دیه کرده‌اند. این

نمایش این نیم‌دایره به زودی ناید شده و از بین می‌رود و از آنجا که این شهر کوچک بود لازم می‌دانستند آن قسمت اداری و تجاری توسعه پیدا بکند و به این ترتیب آن نیم‌دایره در مرکز تجاری جذب و جل می‌شد. به همین دلیل فرهنگ شهر شیکاگو در این نیم‌دایره حضوری نداشت. در این مناطق پلیس و مدرسه کم بود و در خیابان‌کشی‌ها، زیباسازی و شادابی وجود نداشت. درنهایت به این نتیجه رسیدند که اگر نرخ بزه‌کاری در این نیم‌دایره زیاد بود، به دلیل شرایط بوم شناختی بوده است و هر بخش بر عهده نهادی بود. برای نمونه بخشی بر عهده شهرداری و بخشی بر عهده پلیس، فرهنگ، خانواده‌ها و مالکان بود. به نظر می‌آید در پرونده پاکدشت این منطقه روستایی بوده که از نظر اداری تبدیل به شهر شده است. اما آیا به واقع امکانات شهری را دولت یا سازمان‌های واقع در تهران به آنها داده‌اند؟ به عبارت دیگر، آیا احساس تعلق به فرهنگ بومی و حاکم در شهر تهران در آنها وجود دارد؟ در اینجا من آورده، اما با مطالعه بیشتر، خلاف این موضوع به من ثابت شد. خود متهم اقرار می‌کند که من هیچ گونه گرایشی به جنس مخالف نداشتم و دوست داشتم با هم‌جنس خود را بخطه داشته باشم.

نکته دوم این که بزه‌دیدگان متهم نیز از همان کمبودها و نارسانی‌های مشترک رنج می‌برندند. اگر بخواهیم بروی کنیم، هر دو، قربانیان کمبودهای مشترک بوده‌اند. اطفالی که قربانی جرم این متهم قرار گرفته‌اند، هیچ کدام از طبقه مرفه بوده‌اند. همه نوعاً از افراد خارجی بوده‌اند و همین خارجی بودن، یکی از عوامل بزه‌دیدگی است، چرا که یک فرد خارجی (مهاجر افغانی) نمی‌تواند همانند یک بومی از خود دفاع کند.

نکته سوم که بسیار هم مهم است این که بسیاری از اولیای دم اطفال بزه‌دیده، به جای تقاضای قصاص و اعدام متهم، تقاضای دیه کرده‌اند. این

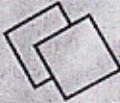
همان کاری که در خاک سفید انجام شد. البته باید بدانیم که با ویران ساختن این محله ها تنها صورت مستله را پاک می کنیم و تصور می کنیم که بزهکاری از بین مردم این تفکری است که در حال حاضر به عنوان پیشگیری وضعی، در کشور ما بای شده است و از طریق نصب دوربین، گماردن پلیس محله و کنترل محیط گمان می کنیم می توانیم جلوی بزهکاری را بگیریم. البته علی وضعي یا اوضاع پیش از بزهکاری در گذار از آندیشه مجرمانه و عمل مجرمانه تأثیر عمده دارد، ولی باید در نظر داشت که پیش از این که شرایط برای ارتکاب جرم فراهم شود، آن علی که باعث بزهکاری می شد در قدر شکل گرفته است.

این متهمن، آن مشکلات و نارسایی های شخصی را از خانواده و محیط خود کسب کرده بود اما در انتظار ایجاد وضعی همچون محیط پاکدشت بود تا در صورت ارتکاب جرم کسی او را نبیند و نتواند کنترل کند. ما باید از ایجاد محیط های همچون پاکدشت جلوگیری کنیم. یعنی از طریق بردن و انتقال دادن فرهنگ آبادانی به این شهرها و آمایش شهری این محیط ها را به فرهنگ اصلی وصل کنیم، به طوری که افرادی که در چنین محیط هایی زندگی می کنند خود را راهشده احساس نکنند و دچار چنین حالت آنومی، ناسازمانی یا احساس عدم تعلق به جامعه نشوند. نکته دوم این است که ما دو نسل حقوق پسر داریم؛ نخست حقوق ملی و سیاسی که در دادگاه ها و پلیس نسبت به متهمن باید رعایت نشود. اما نسل دوم حقوق پسر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در گام نخست، باید بینیم که نظام ما در گام نخست، باید بینیم که نظام ما درخصوص گسترش، فراگیرسازی و تضمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم. که در قانون اساسی ما هم آمده و در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب شهریور ۱۳۸۴ هم طرح شده

به جای سرمایه گذاری برای تقویت انواع مجازات ها و سیستم های تعقیبی و کیفری، بهتر است دولت ها به فکر رفاه مردم پاشند. منظور من از رفاه خودرو و آپارتمان نیست بلکه کمترین سطح حقوق موردنیاز برای مردم است. آن طور که من مطالعه کرده ام، متهمن حادثه پاکدشت از ضربه هوشی بسیار بالایی برخوردار بوده است. چوبه دار و یا جریقبل اعدام نتوانسته وی را از این اعمال بار بدارد، چرا که مشکلاتی که به مخاطر محرومیت در او ایجاد شده باشد یا پیش از این اوضاع کاتالیزور تبدیل به اعمال اتحرافی شده است. من فکر می کنم مستولان کشور ما و برنامه ریزان باید به دنبال تقویت بنیه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه باشند.

سعید مدنی: به نظر می آید که جامعه ما از حالت جامعه بکارچهای که دارای یک فرهنگ منسجم باشد خارج شده و به دلایل مختلف ما با یک نوع تکثر فرهنگی رو به رو هستیم. یعنی یک فرهنگ اصلی داریم که از بالا تزریق می شود و دیگری فرهنگ هایی است که مردم این مسنه از این تکثر فرهنگی رهبری می کنند. این فرهنگی این شکاف بیشتر می شود و کیفر کاری اش را از دست می دهد و فرهنگی همیگر را خنثی می کنند. بنابراین همیگر فرهنگی را خنثی می کنند. به نظر می آید که در بعضی از موارد این فرهنگ اصلی که ضمانت اجرا و مجازات دارد، با آن فرهنگ واقعی هم سنت و هم سطح نیست. به طور کلی بین انتظارات عمومی و آن فرهنگی که در حال حاضر در قالب قانون متبلور شده و دارای ضمانت اجراس است نه تنها سنتی نیست بلکه نوعی دوگانگی نیز وجود دارد. ما قانون داریم، ولی بخشی از این قانون با انتظارات عمومی متنطبق نیست. ما باید میان فرهنگی که قوانین ما ترویج می کنند و ضمانت اجرا دارند و فرهنگی که میانگین مردم جامعه ما آن را دنبال می کنند پژوهش و بررسی بکنیم.

در پرونده پاکدشت، وزیر محیط ویژگی محیط خانوادگی متهمن رئیف اول قابل توجه است. پدر و مادر وی طلاق گرفته بودند و او زیر نظر نامادری خود بود. آنچه در بررسی محیط های اجتماعی شخصی موضوعیت دارد، بوم شناسی یا زیست بوم یا تاثیر محیط زندگی بر رفتار و خلق و خوی افراد است.



بسیاری از اولیای دم اطفال بزه کاری، به جای تقاضای قصاص و اعدام متهمن، تقاضای دیه کرده اند. این مسنه از این بزرگی است که چگونه بررسی از حق قضاص والدین از حق قضاص خود می کنند و تقاضای دیه می کنند